

## تأملی در نقش و جایگاه وقف و نیکوکاری در علم و فناوری

محسن طاهری دمنه<sup>۱</sup>

زهرا حیدری دارانی<sup>۲</sup>

### چکیده

امر خیر یا فعالیت‌های خیرخواهانه تداعی‌کننده کمک‌های داوطلبانه به نیازمندان است؛ صرف وقت برای انجام امور داوطلبانه، مانند رسیدگی به سالمندان در آسایشگاه‌ها، یا صرف پول برای بهبود وضعیت انسان‌ها در حوزه‌های مختلف با تمرکز بر نیاز اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد. این‌ها شناخته‌شده‌ترین صورت‌های امور خیر هستند. اما آیا، در نگاهی جدید، امر خیر می‌تواند در خدمت توسعه علم و فناوری باشد؟ در این مقاله، با محور قراردادن مفهوم وقف، امکان‌پذیری و ضرورت و مزایای ترویج فرهنگ امر خیر در کمک به نهاد علم و فناوری بررسی می‌شود. در نهایت، با بررسی سیر تاریخی زمینه‌های وقف در ایران و نمونه‌خوانی الگوهای موفق در دنیا، این نتیجه نهایی به دست می‌آید که سوق‌دادن امور خیر به سمت توسعه علم و فناوری، به خصوص در حوزه رشد شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکارهای نوپا (استارت‌آپ‌ها)، به ارزش افزوده چندین برابری برای کل جامعه منجر می‌شود. خیری که مهم‌ترین پیش‌ران آن فرهنگ‌سازی در بین خیرین و آحاد جامعه است.<sup>۳</sup>

واژگان کلیدی: امر خیر، وقف، توسعه علم و فناوری، شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های نوپا

### مقدمه

امروزه فعالیت‌های اقتصادی کشورها به‌طورکلی در سه بخش خصوصی (بخش اول)، دولتی (بخش دوم) و سازمان‌های امور خیریه (بخش سوم) شکل می‌گیرند. در این میان، بخش سوم اقتصاد در جهان در حال گسترش است و روزبه‌روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. انگیزه داوطلبانه مبتنی بر ایثار و نوع‌دوستی نهادهای بخش سوم (وقف و امور خیریه) به نسبت نهادهای خصوصی (بخش اول) اقتصاد را از کارایی بیشتری برخوردار می‌کند و هزینه‌های کمتر آن به نسبت بخش دولتی (بخش دوم)، در ارائه خدمات اجتماعی و عام‌المنفعه، باعث توجه روزافزون

جوامع به این بخش مهجور شده است (Lyons, 2001, p. ۱۲). بخش سوم اقتصاد دربرگیرنده تعاملات نوع‌دوستانه است و شامل سازمان‌ها و نهادهایی است که: (۱) توسط گروهی از افراد (اعضا) تشکل و تداوم می‌یابد و به صورت داوطلبانه و بدون توجه به نفع شخصی راه‌اندازی شده است؛ (۲) مردم آن را کنترل و اداره می‌کنند؛ (۳) در آن هرگونه انتفاع و سودآوری حاصل از فعالیت‌ها در جهت اهداف تعیین‌شده صرف می‌شود و سود شخصی و منفعت سازمانی محلی از اعراب ندارد (Lyons, 2001). بخش سوم، که بخش مستقل یا داوطلبانه یا بخش اجتماعی اقتصاد نیز

۱. استادیار گروه آینده‌پژوهی، دانشکده علوم و فناوری‌های نوین، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ M.taheri@ast.ui.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی دانشگاه اصفهان.

۳. این مقاله با حمایت مالی و معنوی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان به زینت طبع آراسته شده است.

نامیده می‌شود، به دو صورت قابل‌تصور است:

نخست، انسان‌ها وقت خویش را به یکدیگر اختصاص می‌دهند که طیف وسیعی از خدمات عمومی تا خدمات درمانی، تعلیم، آموزش و پرورش، هنر، مذهب و وکالت را دربر دارد؛ مانند: هیئت‌های مذهبی، انجمن‌های دفاع از حقوق بشر، نهضت سوادآموزی و... در این صورت، انباشت سرمایه انسانی ایجاد می‌شود و بهره‌وری به نفع اقشار آسیب‌پذیر افزایش می‌یابد. دوم، انسان‌ها ثروت خویش را با انگیزه دیگرخواهی در اختیار دیگران قرار می‌دهند، بدون اینکه انگیزه سودجویی داشته باشند (جهانیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶-۱۰۷). بنابراین آنچه در بخش سوم اقتصاد در اختیار دیگران قرار داده می‌شود، زمان و ثروت افراد داوطلب است که برای پیشبرد اهداف اجتماعی مصرف می‌شود. بخش سوم در ایران اغلب با نام وقف و امور خیریه (به معنای اسلامی) شناخته می‌شود (نصراللهی و عبدلی سبحانی، ۱۳۹۳، ص ۷۶). بنابراین، شاید در نگاه اول متداول‌ترین نقش وقف را بتوان در رویکرد اقتصادی آن مشاهده کرد. بخش سوم بزرگ‌تر به اقتصادی توانمندتر می‌انجامد. اما آیا امر خیر به صورت کلی و مفهوم وقف به صورت خاص، به‌منزله یک موتور محرکه، به اقتصاد شرکت‌های دانش‌بنیان و شرکت‌های نوپا کمک می‌کند و از این منظر به خلق ثروت پایدارتر در اقتصاد منجر می‌شود؟ در ادامه و در راستای پاسخ به این سؤال، ضمن تشریح جایگاه امر خیر در اقتصاد، به نظروری علمی در زمینه بسط کارکردهای امر خیر در پیشبرد فعالیت‌های علمی و فناوریانه پرداخته می‌شود.

## ۱. جایگاه امر خیر در اقتصاد

اصطلاح بخش سوم اقتصاد یا بخش داوطلبانه<sup>۱</sup> یا اقتصاد اجتماعی<sup>۲</sup> و بخش غیرانتفاعی<sup>۳</sup> از دهه ۱۳۷۰ میلادی به بعد رایج شد (Lyons, 2001, p. 12). بخش غیرانتفاعی به‌طورکلی به حوزه‌ای بدون پرداخت سود به صاحبان یا سرمایه‌گذاران اشاره می‌کند. خیرخواهی منبع مهمی برای حمایت از بخش غیرانتفاعی است (Cheek et al, 2015, p. 364). اقتصاد دهش یکی از زیرمجموعه‌های اقتصاد بخش سوم است که تبیین آن و تعیین نسبت آن با نهاد وقف به شناخت این اقتصاد کمک می‌کند (جهانیان، ۱۳۹۵، ص ۹۳). اعطای فزونی ثروت و وقت یکی از مهم‌ترین بعدهای اقتصاد بخش سوم است که در ادبیات اقتصادی بخش سوم از آن با عنوان «اقتصاد دهش» یاد می‌کنند (جهانیان، ۱۳۹۵، ص ۹۶). سه مجموعه از افراد در بازار برای دهش خیرخواهانه وجود دارند و درک هریک از آن‌ها و روابط

آن‌ها با یکدیگر برای درک اقتصاد دهش ضروری است. گروه اول اهداکنندگان یا عرضه‌کنندگان پول و وقت هستند که پول و وقت خود را داوطلبانه به مؤسسات خیریه عرضه می‌کنند. گروه دوم سازمان‌های خیریه هستند، یعنی طرف تقاضای بازار که عرضه‌کنندگان (اهداکنندگان) را با راهبردهای جمع‌آوری کالاها و خدمات خیریه سازمان‌دهی می‌کنند و عامل سوم دولت‌ها هستند. دولت‌ها به چندین روش در سازمان‌های خیریه شرکت دارند. در بسیاری از کشورها، مانند ایالات متحده، مؤدیان مالیاتی فردی می‌توانند بخشش‌های خیرخواهانه را از درآمد مشمول مالیات‌شان کسر کنند. دولت‌ها نیز کمک بلاعوض مستقیم می‌کنند (Andreoni, 2007, p. 1).

وقف عام زیرمجموعه اقتصاد دهش است و پیوند تنگاتنگی با جزء اعطای فزونی ثروت - و نه جزء اعطای فزونی وقت - در این اقتصاد دارد. بنابراین نهاد وقف با اقتصاد دهش دو نوع پیوند دارد یا می‌تواند داشته باشد. پیوند نخست مربوط به ظرفیت‌های کنونی این نهاد و پیوند دوم مربوط به ظرفیت‌های آتی و آینده‌نگرانه این نهاد است.

در وضعیت کنونی، با وجود ثروت فراوان نهادهای وقفی به نسبت سرمایه مولد کشور، درآمدهای ناشی از ثروت این نهادها به حدی اندک است که حتی به یک درصد تولید ملی هم نمی‌رسد. این درحالی است که سهم اقتصاد دهش در تولید ملی کشورهای پیشرفته حدود دو درصد است. ظرفیت‌های آتی یا آینده‌نگرانه اثر قابل‌ملاحظه‌ای در نظام اقتصادی سالم خواهد داشت؛ نظامی که از ابتدا تمام بخش‌های اول، دوم و سوم در جای خود قرار گرفته باشند و به تناسب پیشرفت جامعه این بخش‌ها نیز رشد نظام‌مند داشته باشند. در این حالت اقتصاد وقف، که شامل موقوفات عام دینی و دنیوی، بنیادهای وقفی کوچک و متوسط و بزرگ، بنگاه‌ها و شرکت‌های تجاری است، به‌منزله بخش عمده‌ای از اقتصاد دهش، در خدمت امور عام‌المنفعه خواهد بود (جهانیان، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰-۱۰۱).

در اکثر کشورهای توسعه‌یافته بخش سوم بخشی بسیار مهم تلقی می‌شود و اغلب به فعالیت‌هایی می‌پردازد که دولت‌ها تمایل و توانی برای انجام آن‌ها ندارند و بخش خصوصی نیز انگیزه لازم برای ورود به حیطه این‌گونه فعالیت‌ها را ندارد. امروزه در این کشورها، با زمینه‌سازی‌های بلندمدت و اصلاح ساختارهای اقتصادی، بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی و ارائه خدمات اجتماعی به‌وسیله بخش سوم انجام می‌شود که همان بخش وقف و امور خیریه یا به عبارت کلی‌تر بخش غیرانتفاعی است. برای مثال، در کشور آمریکا در سال ۲۰۰۷ بیش از ۶/۶ درصد کل تولید ناخالص داخلی متعلق به بخش سوم اقتصاد بوده است. در همان سال، تولید ناخالص داخلی آمریکا بر اساس گزارش

1. Voluntary Sector

2. Social Economy

3. Non for Profit

سطح پایین‌تر شاخص توسعه انسانی - کاملاً قابل مشاهده است (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳، ص ۸۴). یکی از شاخص‌هایی که برای سنجش حجم بخش سوم اقتصاد در کشورها استفاده می‌شود، سهم نیروی کار این بخش از کل نیروی کار شاغل در اقتصاد ملی است. طبق گزارش مرکز جامعه مدنی هاپکینز پس از سال ۲۰۰۴، در هلند ۱۴/۴ درصد از کل نیروی کار، در بلژیک و ایرلند حدود ۱۰ درصد و در آمریکا و انگلیس به ترتیب ۹/۸ درصد و ۸/۵ درصد از جمعیت فعال در بخش سوم اقتصاد مشغول به کار هستند و به نسبت جمعیت خود بار بزرگی را از دوش دو بخش دیگر اقتصاد برداشته‌اند (Salamon et al, 2004, p. 6).

فعالیت بخش سوم اقتصاد، از طریق توسعه سرمایه اجتماعی (با عناصر اعتماد، مشارکت و همدلی) و مردم‌محور بودن فعالیت‌های این بخش، غیرمستقیم به توسعه اشتغال و تولید منجر خواهد شد. در انجام فعالیت‌های اقتصادی، یکی از اصلی‌ترین و چالش‌برانگیزترین بخش‌ها تأمین مالی است و صاحبان ایده و نوآوری در تجارب ابتدایی خود تمایل به سرمایه‌گذاری کم‌خطر دارند. تأمین سرمایه لازم برای این شرکت‌ها و کسب‌وکارهای نوپا و کارآفرینی که مستعد جهش و رشد ارزش و ریسک فراوان است، سرمایه‌گذاری پرخطر نامیده می‌شود. ورود بخش سوم اقتصاد به تأمین مالی طرح‌ها و ایده‌های نو، به صورت خطرپذیر، در بسیاری از کشورهای دنیا به این علل آغاز شده است: (۱) توجه به توسعه اشتغال و کارآفرینی به جای سود اقتصادی صرف؛ (۲) ورود به بخش‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در توسعه و به‌روزرسانی کالاهای عمومی؛ (۳) بحران‌های بیکاری و رکود و لزوم همکاری همه بخش‌ها برای خروج از بحران؛ (۴) توسعه نیافتن بخش خصوصی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر. در حال حاضر، تمامی موارد مذکور در وضعیت موجود اقتصاد ایران صدق می‌کند؛ لذا فعالیت بخش سوم و نهادهای وقف و خیریه ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

توسعه کارآفرینی اجتماعی از دیگر آثار بخش سوم اقتصاد است. کارآفرینان اجتماعی افرادی هستند که با تشخیص مشکلات اجتماع، از دانش کارآفرینی برای سازمان‌دهی، ایجاد و مدیریت سرمایه در رفع نیاز مربوط استفاده می‌کنند، درحالی‌که کارآفرینان تجاری معمولاً به بررسی بازدهی و سود بازگشتی می‌پردازند. کارآفرینان اجتماعی معمولاً گروه‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی بخش سوم هستند. همچنین بخش سوم می‌تواند با حمایت از توسعه فناوری‌های کاربر (یعنی فناوری‌هایی که بیشتر به نیروی کار نیاز دارند) به توسعه اشتغال کمک کند (حیدری و درخشان، ۱۳۹۵، ص ۶-۸).

## ۲. جایگاه وقف در اقتصاد

مراد از امور خیریه، کارهایی است که طی آن نفعی به غیر می‌رسد. در ابواب فقهی موضوعاتی مانند هبه، وصیت، صدقه، نذر، حبس، سکنی و... از این دسته‌اند. در وقف، خیرین امکان تأسیس نهادی را

صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup> ۱۴۰۷۷/۶۵ میلیارد دلار بوده است که سهم مربوط به بخش سوم اقتصاد حدود ۹۲۹ میلیارد دلار برآورد شده است. بر اساس همان منبع، در همان سال، کل تولید ناخالص داخلی<sup>۲</sup> ایران ۳۰۷ میلیارد دلار بوده است. این اعداد نشان از آن دارد که بخش سوم اقتصاد تا چه حد امکان گسترش دارد و اثبات می‌کند که توسعه اقتصادی از راه بخش سوم نیز امکان‌پذیر است (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳، ص ۶۸).

در سال ۲۰۱۳، تعداد ۱/۴۱ میلیون سازمان غیرانتفاعی در سرویس درآمد داخلی آمریکا ثبت شده است که، به نسبت سال ۲۰۰۳، ۲/۸ درصد افزایش یافته است. بخش غیرانتفاعی در سال ۲۰۱۳ حدود ۹۰۵/۹ میلیارد دلار به اقتصاد ایالات متحده کمک کرد که ۵/۴ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. حوزه فعالیت سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه دامنه متنوعی از هنر، سلامت، آموزش، خدمات انسانی و... بوده است (McKeever, 2015, p. 1-2).

در سال ۲۰۱۵، نیروی کار شاغل در بخش سوم اقتصاد ۱۱/۹ درصد از کل شاغلان آمریکا بوده که در رتبه سوم (در میان حدود چهارده عنوان حوزه شغلی)، پس از شاغلان در تجارت خرد و تولید، قرار گرفته است (Salamon, 2018, p. 1). داده‌های مربوط به بخش سوم اقتصاد فقط توسط تعداد محدودی از کشورها ارائه شده است. در ایران، این آمار به صورت متمرکز وجود ندارد. در سیزده کشوری که اطلاعات آن‌ها در دسترس است، به طور متوسط ۷/۴ درصد از کل نیروی کار سهم اشتغال در بخش سوم است. این میزان بیش از سهم اشتغال در بخش‌های مهمی همچون حمل‌ونقل و امور مالی است (Salamon et al, 2013, p. 2).

همچنین در سال ۲۰۱۳، در پانزده کشوری که اطلاعات آن‌ها در دسترس است، ۴/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی به مؤسسات غیرانتفاعی اختصاص دارد. این تقریباً معادل با سهم تولید ناخالص داخلی بخش صنعت ساخت‌وساز در این کشورها است. بخش سوم اقتصاد در کشورهای کانادا، اسرائیل، موزامبیک، آمریکا، بلژیک، نیوزلند و ژاپن به ترتیب بیشترین سهم تولید ناخالص داخلی (بیش از ۵ درصد) را در میان این پانزده کشور دارد (Salamon et al, 2013, p. 3).

بنابراین، اهمیت ویژه بخش سوم اقتصاد زمانی روشن می‌شود که اثر آن بر شاخص‌های اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و شاخص توسعه انسانی<sup>۳</sup> تحلیل شود. اثر مستقیم توسعه این بخش بر رشد تولید و نیز اثر افزایش سهم این بخش در اقتصاد بر ارتقای شاخص توسعه انسانی - به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه با

1. IMF

2. GDP

3. HDI

و... شواهدی بر این مدعاست. به عبارت دیگر، وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش عمده‌ای از مشکلات و تنگنایهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آن به کار بست. امروزه این نهاد، با وجود قدمت بسیار زیاد و ارائه خدمات فراوان، آن‌طور که شایسته است مورد بهره‌برداری قرار نگرفته و نقش آن در ابعاد گوناگون حیات اقتصادی و فرهنگی جامعه تا حدودی کم‌رنگ شده است. لذا بسیاری از وظایفی که روزگاری بدون دخالت دولت و از طریق نهاد وقف و امور خیریه (بخش سوم) و البته به صورت کاملاً داوطلبانه انجام می‌گرفت، امروزه به‌ناچار برعهده دولت‌هاست تا از منابع حاصل از فروش ثروت‌های عمومی تأمین مالی و انجام شوند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در دیگر کشورهای دنیا بخش سوم اقتصاد یکی از سه موتور محرکه برای توسعه تولید و اشتغال است و دولت‌ها بر ظرفیت‌های بخش سوم و فعالیت‌های نیکوکارانه در دوران رکود و بیکاری حساب ویژه‌ای باز می‌کنند. اهمیت این بخش برای ترمیم اقتصادی در شرایط رکود حتی بیشتر از دو بخش دیگر خواهد شد؛ زیرا زمانی که بخش خصوصی (انتفاعی) به سبب فضای اقتصادی دچار رکود می‌شود و دولت به علت کاهش درآمدها (هم درآمدهای نفتی و هم درآمدهای مالیاتی) دچار کسری مالی می‌شود، تنها امید برای حل مشکلات بیکاری و رکود بخش سوم خواهد بود (حیدری و درخشان، ۱۳۹۵، ص ۱-۲). وقتی دولت توان حمایت مالی از شرکت‌های دانش‌بنیان و نوپا را نداشته باشد و خیرین آگاه شوند که کمک آن‌ها، در قالب‌های گوناگون از جمله وقف، موجب شکوفایی اقتصاد دانش‌بنیان و ایجاد اشتغال در این قسمت - که عموماً جوانان تحصیل کرده و بااستعداد درحال مدیریت آن هستند - می‌شود، بخش سوم به بهترین شکل ممکن به اقتصاد درون‌زا و تاب‌آور تبدیل خواهد شد.

### ۳. وقف در اقتصاد ایران

بر اساس گزارش سازمان اوقاف و امور خیریه در سال ۱۳۹۵، وضعیت موقوفات و رقبات موجود در کشور بدین شرح است: مجموع موقوفات حدود ۱۷۰ هزار است که به ترتیب ۴۸ درصد عرصه مسکونی، ۴۶ درصد کشاورزی، ۵ درصد تجاری و یک درصد باقی‌مانده نیز متفرقه و در اجاره مستأجران است و مستأجران، برابر نظر کارشناس، سالیانه اجاره‌بهای آن را پرداخت می‌کنند. همچنین بر اساس گزارش‌های مالی سازمان، مجموع درآمد موقوفات در سال ۱۳۶۳ حدود ۲ میلیارد ریال بوده و در سال ۱۳۸۳ مبلغ ۳۶۱ میلیارد ریال گزارش شده است. بنابراین متوسط رشد درآمد در دو دهه حدود ۱۸ هزار درصد بوده است. بر مبنای گزارش دیگر، درآمد بقاع متبرکه (اعم از املاک، نذورات، هدایا و...) در سال ۱۳۶۰ که با اوقاف مرتبط بودند حدود یک میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۲ حدود ۲۲۲ میلیارد ریال بوده که بیشترین مبلغ از نذورات و هدایا جمع‌آوری شده است.

دارند که برای همیشه مستقل از مالک به حیات اقتصادی و انتفاعی خود ادامه می‌دهد؛ ولی در سایر امور خیریه، مالی به غیر منتقل می‌شود و در نهایت به مصرف می‌رسد (لطیفی و دیگران به نقل از شاطری و آرزومندان، ۱۳۹۱، ص ۸). خیرخواهی در معنای وسیع‌تر نیز شامل فعالیت‌هایی در بخش سوم است که خود وسیله‌ای برای ایجاد سرمایه اجتماعی است (Salamon, 2010). اهداکنندگان به این علت که هنگام انجام رفتار خیرخواهانه، قائل به گرفتن بهترین تصمیم در مناسب‌ترین زمان هستند، احساس رضایت درونی می‌کنند (Andreoni, 2015, p. 358). احساس رضایت درونی بخشی از توسعه سرمایه اجتماعی است.

تعریف اقتصادی وقف را می‌توان تغییر کاربرد منابع، از بهره‌برداری فردی به بهره‌مندی اجتماعی، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده بیان کرد که از خدمات یا منافع آن افراد زیادی بهره می‌گیرند. از این رو توسعه وقف، از یک طرف موجب افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف می‌شود و از طرف دیگر این پس‌اندازها در نهایت به سرمایه تبدیل خواهد شد؛ سرمایه‌ای که مولد کالاهای خصوصی یا خدمات اجتماعی در حال و آینده خواهد بود و در نتیجه زمینه افزایش تولید ناخالص داخلی را فراهم خواهد آورد. همچنین نهاد وقف، به سبب ماهیت نیکوکارانه‌اش، موجب تقویت بنیادهای اجتماعی و روحیه تعاون در جامعه می‌شود که در نهایت به ارتقای سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی کل اقتصاد منجر خواهد شد (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹۹).

در اسلام یکی از راه‌های تحقق بخشیدن به اهداف خیرخواهانه وقف است. نهادی که گسترش آن از یک سو سبب تعدیل و توزیع ثروت و از سوی دیگر موجب برطرف شدن نیازهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه می‌شود. می‌توان ادعا کرد سنت حسنه وقف پشتوانه اقتصادی اهداف بلند انسانی است که در طول تاریخ، با توجه به سطح زندگی مردم، در رشد فرهنگ و دانش بشری تأثیر بسیاری داشته است؛ زیرا وقف سابقه دیرینه در تاریخ تمدن بشر دارد و فقط به اسلام و فقه و حقوق کشورهای اسلامی و ایران تعلق ندارد، بلکه نهادهای مشابه آن در تمام ادیان و حقوق سایر کشورها وجود دارد (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳، ص ۶۴). یکی از ویژگی‌های وقف خودگردانی و خوداتکایی آن است؛ چراکه اداره موقوفات بدون تحمیل هیچ هزینه‌ای به دولت امکان‌پذیر است و احیا و بهره‌وری موقوفات از طریق خودشان (با توسعه راه‌ها، پل‌ها و کاروان‌سراها و حفظ و نگاه‌داری مساجد و مدارس علمی) انجام‌شدنی است (کائینی، ۱۳۹۱، ص ۷۸). در خلال قرون و اعصار شکوفایی تمدن اسلامی، همواره وقف بسیاری از نیازهای خاص جامعه را تأمین می‌کرده و ارائه برخی کالاها و خدمات، که در اقتصاد مدرن کالاهای عمومی نامیده می‌شوند، تا مدت‌ها بر دوش واقفان و از طریق موقوفات بوده است - قبل از اینکه ارائه آن‌ها را دولت‌ها برعهده گیرند. نمونه‌هایی مانند کاروان‌سراها، آب‌انبارها، بیمارستان‌ها، حوزه‌های علوم دینی

جدول ۱: وضعیت فعلی موقوفات و رقبات موجود در کشور

تعداد کل موقوفات کشور	۱۷۴ هزار موقوفه
از ابتدای انقلاب تا سال ۸۹	۶۳۰۰ وقف جدید
از سال ۸۹ تا کنون	بیش از ۹۶۹۰ وقف جدید
۹۴ هزار موقوفه انتفاعی است	۸۰ هزار موقوفه منفعتی است
از ۸۰ هزار موقوفه منفعتی	۱۲ هزار موقوفه دارای متولی است
از ابتدای انقلاب تا سال ۸۹	به طور میانگین ۱۵۰ تا ۲۰۰ وقف جدید در هر سال
از سال ۸۹ تا کنون	۲۸۰۰ وقف جدید در سال
مجموع درآمد موقوفات در سال ۱۳۶۳	۲ میلیارد ریال
مجموع درآمد موقوفات در سال ۱۳۸۴	۳۶۱ میلیارد ریال

وقف اداره می‌شدند، چه در مرحله احداث و چه در زمان تأمین منابع مالی برای مخارج ساختمانی و انسانی. بنابراین وقف به منزله یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت‌کننده از پژوهش و پژوهشگران به منظور رسیدن به توسعه علمی و اقتصادی در جوامع اسلامی، به خصوص در دوران شکوفایی تمدن اسلامی، جایگاه بزرگی داشته است (مهدی‌نژاد و مقیمی، ۱۳۹۶، ص ۵۶).

در عصر حاضر نیز، از بزرگ‌ترین موقوفه‌های علمی - آموزشی کشور می‌توان به موقوفه حاج محمدحسن کاظمی شیرازی در شیراز اشاره کرد که با هدف توسعه علم و دانش و حمایت از نخبگان علمی، دانشجویان، طلاب و پژوهشگران ایجاد شده است. همچنین انستیتو پاستور، موقوفات علمی سید حسین فلاح نوشیروانی، پژوهشگاه رویان و مجمع خیرین حامی فناوری نمونه‌هایی از وقف علم و فناوری در ایران معاصرند. نمونه‌های بیشتری به صورت خلاصه در جدول ۲ ارائه شده است (دفتر همکاری‌های علمی...، ۱۳۹۵، ص ۶۵-۱۱۴).

در آمریکا هزاران موقوفه کوچک و بزرگ وجود دارد که بیش از ۲۴۰۰ موقوفه وقف امور علمی و مراکز پژوهشی شده است. بنیادهای وقفی بزرگ آمریکایی مدیون قوانین سنگین مالیاتی و تغییر نگرش ثروتمندان به کارهای عام‌المنفعه هستند. بنیادهای فورد، راکفلر و کارنگی سه نمونه مهم و تأثیرگذار از این بنیادها هستند که به سه خانواده مشهور ثروتمند آمریکا وابسته‌اند. بیشترین مراکز مهم تحقیقاتی و علمی آمریکا موقوفه‌هایی هستند که سال‌ها پیش توسط متمولان این کشور پایه‌ریزی شده‌اند. فرهنگ وقف در آموزش عالی در دیگر کشورها سابقه درخشانی دارد. دانشگاه‌های پرینستون، هاروارد و استنفورد در آمریکا، دانشگاه آستردام در هلند و دانشگاه مک‌گیل در کانادا از طریق حجم گسترده‌ای از موقوفات اداره می‌شوند. مؤسسه وقفی تویوتا، که در سده بیستم برای حمایت از علوم اجتماعی و توسعه جامعه تأسیس شده است، نمونه‌ای از موقوفات شرکت‌های بزرگ تولیدی در ژاپن به‌شمار می‌آید. بنیاد فولکس واگن یکی از

از این درآمد، بیشترین مقدار صرف عمران و آبادانی امامزاده‌ها و بخشی نیز صرف امور فرهنگی و پرسنلی شده است. وضعیت موقوفات و رقبات موجود در کشور تا سال ۱۳۹۵، بر اساس گزارش سازمان اوقاف و امور خیریه، در جدول ۱ آمده است (دفتر همکاری‌های علمی...، ۱۳۹۵، ص ۶۱-۶۲).

با وجود این ظرفیت بالا و با توجه به واقعیت اقتصاد ایران، در حال حاضر وقف در کشور دیگر آن کارایی و جایگاه فعال و مؤثری را ندارد که در تاریخ اسلام و ایران (به خصوص در برخی دوره‌ها) برای حل مشکلات اقتصادی داشت. مسلماً از علل مهم این واقعیت اداره سنتی و غیرعلمی دارایی‌های وقف‌شده و استفاده نکردن از ظرفیت‌های بالقوه این نهاد تاریخی در جهت تأمین اهداف اجتماعی است. از این رو ضروری به نظر می‌رسد از ویژگی‌های مناسب نهاد وقف استفاده شود و، با به‌کارگیری تجارب بین‌المللی، الگویی کارا برای بازسازی نقش نهاد وقف در اقتصاد جامعه اسلامی ارائه شود (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱-۱۰۲). به نظر می‌رسد ساحت علم و فناوری یکی از عرصه‌های جدید و ضروری برای ورود واقفان است.

#### ۴. جایگاه وقف در توسعه علم و فناوری

وقف در ایران سابقه‌ای طولانی دارد، به طوری که نذورات و وقف اموال برای آتشگاه‌ها و معابد از دوران باستان متداول بوده و در دوره اسلامی نیز، با تحول در شکل و احکام آن، ادامه پیدا کرده است (صفایی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۲). گسترش جریان اوقاف در امور خیریه از اوائل سده سوم هجری آغاز شد و در پی آن تأسیس مدارس خصوصی و پس از آن دولتی نقطه عطف و مرحله تحولی در زندگی دانش‌پژوهان و آغاز دوره‌ای نوین در امر آموزش و پژوهش بوده است. مروری بر موقوفات نشان می‌دهد که بخش اعظمی از آن‌ها به مراکز علمی و آموزشی همچون دانشگاه‌ها، مدارس، مراکز تحقیقاتی و... اختصاص داشته است (شاطری و آرزومندان، ۱۳۹۱، ص ۹). در گذشته مراکز آموزشی بر مبنای

جدول ۲: برخی موقوفات علم و فناوری در ایران معاصر

نام موقوفه	هدف یا نیت
۱. موقوفه علمی و آموزشی حاج محمدحسن کاظمی شیرازی	حمایت از نخبگان علمی، دانشجویان، طلاب و پژوهشگران؛ توسعه علم و دانش؛ ارتقای سلامت اداری؛ ساخت آسایشگاه و سرای سالمندان و ساخت استراحتگاه همراهان بیمار.
۲. انستیتو پاستور	خدمات پزشکی؛
۳. بنیاد فرهنگی موقوفه البرز	اشاعه فرهنگ اسلامی از طریق اعطای جوایز به دانش‌آموختگان و صاحبان ابتکار و ابداع، چاپ و نشر کتاب و مقالات علمی و تحقیقی در ابعاد گوناگون فرهنگ اسلامی؛ اعطای وام بلندمدت و بدون بهره به دانش‌پژوهان؛ احداث یا خرید ساختمان‌های مناسب برای ایجاد مدارس با حق تقدم مناطق محروم و مستضعف؛ تشکیل مجالس و محافل متعدد علمی و تحقیقی.
۴. بنیاد علمی و آموزشی قلم‌چی	گسترش دانش و آموزش
۵. موقوفات سید حسین فلاح نوشیروانی	گسترش علم و دانش و بهداشت
۶. مؤسسه پژوهش خیرین رویان	کمک به پژوهش عملی در حوزه‌های جدید
۷. انجمن توسعه علم و فناوری ایرانیان	تشویق و حمایت از برتری و نوآوری علمی ایرانیان
۸. نهضت خیرین در دانشگاه تهران	اعتلای دانش بشری
۹. جایزه علمی فناوری پیامبر اعظم (ص) (جایزه مصطفی (ص))	شناسایی و تجلیل از دانشمندان برجسته جهان اسلام و حمایت از تحقیقات و تجاری‌سازی
۱۰. صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری جایزه علمی فناوری پیامبر اعظم (ص)	به‌خدمت‌گرفتن علم و فناوری در رفاه، امنیت و سلامت بشریت و با شعار هر مسلمان یک سهم برای توسعه فناوری در جهان اسلام
۱۱. مجمع خیرین حامی فناوری	ایجاد بستری برای اشتغال
۱۲. بنیاد نژادقلی و علیزاده	تأمین منابع مالی موردنیاز طرح‌های تحقیقاتی دانشگاهیان
۱۳. بنیاد خیریه مرتضی سلطانی	توسعه علم و فناوری، تحقیق و پژوهش در کشور با اخذ نمایندگی از مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌های معتبر جهان و مبادلات علمی و فرهنگی

چراکه افزایش نرخ رشد اقتصادی با حمایت و پشتیبانی از آموزش و علم در دانشگاه‌ها به‌دست می‌آید (دفتر همکاری‌های علمی...، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۲۷).

کج‌کارکردهای ساختار اقتصادی کشور در طی یک‌صد سال گذشته و وابستگی صرف آن به منابع دولتی حاصل از فروش ذخایر نفت و سپس گاز باعث نوعی نابسامانی در فرایند تأمین منابع مالی علمی شده است؛ به‌طوری‌که که مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناورانه، که خود باید مولد ارزش افزوده اقتصادی باشند، تنها و تنها چشم به دستان دولت‌ها دوخته‌اند تا منابع مالی موردنیاز برای اداره امور جاری خود را تأمین کنند. این موضوع دامن‌گیر دانشگاه‌های نوپا و نیز دانشگاه‌های برتر کشور است، به‌طوری‌که اگر دولت درآمد دانشگاه‌های برتر کشور را که بعضی از آن‌ها بیش از پنج دهه سابقه فعالیت دارند قطع کند، این مؤسسات توان اداره امور خود را حتی برای یک سال مالی ندارند (حسینی‌مقدم، ۱۳۹۶، ص ۲۸).

وضعیت شرکت‌های دانش‌بنیان و نوپاها از این هم بدتر است.

مهم‌ترین بنیادهای مستقل وقفی آلمان است که درآمد حاصل از آن در جهت اهداف معینی هزینه می‌شود (دفتر همکاری‌های علمی...، ۱۳۹۵، ص ۷۸-۹۳). در انگلیس، حدود ۱۲ درصد، کانادا حدود ۲۸ درصد، آلمان حدود ۲۰/۹ درصد، آمریکا حدود ۱۷/۱ درصد و استرالیا حدود ۱۸ درصد از حجم فعالیت‌های خیرخواهانه صرف پیشرفت امور آموزشی و پژوهشی می‌شود (کمیته یاوران وقف علم و فناوری، ۱۳۹۶)

تفاوت بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه در زیرساخت‌های علم و فناوری و توسعه این دو مقوله در این کشورها است. شرط لازم برای رشد علمی هر کشور شناخت اهمیت سیستم آموزشی صحیح است. این یکی از مهم‌ترین عواملی بود که به پیشرفت اقتصادی ژاپن کمک شایانی کرد. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته پژوهش سرمایه‌گذاری بلندمدت محسوب می‌شود و در دانشگاه‌ها بالاترین اولویت‌ها به پرورش استعدادها و تربیت دانشجویان داده می‌شود و آنچه در این اولویت‌بندی قابل‌توجه است، ارتباط نزدیک آموزش و رشد اقتصادی است.

اتصال فناوری و بازار است و تمرکز آن بر حلقه‌های انتهایی زنجیره ارزش است (ثقفی و افتخاری، ۱۳۹۶، ص ۱۶). وقف در مسیر تجاری‌سازی به این معناست که واقف عین معینی از اموال خود را، که دارای شرایط وقف است، از مالکیت خود خارج کند و منافع آن را در مسیر استفاده از دانش و فناوری برای تولید ثروت واگذار کند (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳، ص ۶۸).

نگاه به عملکرد کشور در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که به‌رغم فراهم‌ساختن برخی زیرساخت‌های موردنیاز برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، همچون نیروی انسانی متخصص و تحصیل‌کرده، ارتقا و تجهیز زیرساخت‌های آزمایشگاهی و نیز پیشرفت‌های چشمگیر علمی در حوزه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، در کسب ثروت از طریق فعالیت‌های دانشی موفقیتی درخور توجه کسب نشده است. یکی از اصلی‌ترین محورهای توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان خدمات مالی تخصصی مرتبط با توسعه نوآوری در این بنگاه‌ها است. تا سال ۱۳۹۶، هجده صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی در کشور تأسیس شده تا مشارکت بخش خصوصی و عمومی را برای توسعه و تولید محصول در این شرکت‌ها، از طریق سرمایه‌گذاری خطرپذیر، تسهیل بخشد. باوجوداین، درحال حاضر تقریباً هیچ‌کدام از این صندوق‌ها از طریق حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاری خطرپذیر کسب درآمد نمی‌کنند. همچنین مدل‌های حمایت مالی مبتنی بر وام با بهره‌های زیاد و عدم مشارکت بانک‌ها در پذیرش ریسک، مشکلات فراوانی را به‌وجود می‌آورد (نریمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

بررسی شاخص جهانی نوآوری نشان می‌دهد که کشور ایران در تولید علم و تبدیل علم به فناوری پیشرفت داشته است. اما در تبدیل علم و فناوری به ثروت یا به‌عبارت‌دیگر تجاری‌سازی علم و فناوری مشکل دارد؛ مسئله‌ای که وظیفه شرکت‌های دانش‌بنیان است. در سال ۱۳۹۵ حدود ۳/۴ میلیون دانشجو در دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل بوده‌اند که حدود یک میلیون نفر از آن‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی بوده‌اند. همچنین سالانه حدود ۷۰۰ هزار دانش‌آموخته وارد بازار کار می‌شوند. وقتی زیست‌بوم شرکت‌های دانش‌بنیان از نشاط و وسعت لازم برخوردار نباشد، شاهد افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار خواهیم بود. بنابراین، برای تبدیل علم و فناوری به ثروت، باید از شرکت‌های دانش‌بنیان حمایت کنیم (آذری، ۱۳۹۶، ص ۱۳-۱۴). از موانع تجاری‌سازی علم در ایران می‌توان به عوامل فرهنگی، کمبود نیروی انسانی متخصص، کافی نبودن درآمد تحقیق برای محققان، محدودیت منابع مالی و فیزیکی و فقدان برنامه‌ریزی راهبردی اشاره کرد (سلامی و خطیبی عقدا، ۱۳۹۴، ص ۸۲).

وقف با هدف تجاری‌سازی دانش و فناوری می‌تواند در چارچوب و ضوابط شرعی و قانونی وقف در اسلام و حقوق مدنی ایران قرار گیرد و منطبق با ملاک‌ها و شرایط صحت عقد

زیرا نه‌تنها دولت در کمک به آن‌ها مانند دانشگاه‌ها تکلیفی برعهده ندارد، بلکه بخش سوم اقتصاد و واقفان که مایل به انجام امر خیر هستند نیز اصولاً شناختی از این نوع شرکت‌ها و جایگاه آن‌ها ندارند. تجاری‌سازی علم و فناوری در کلیت اقتصادی جامعه اثر به‌مراتب برجسته‌تری از توسعه صرف مراکز آموزشی دارد؛ زیرا نتایج حاصل از آن نه‌تنها به توسعه علمی کشور منجر می‌شود، بلکه به تولید ثروت و ایجاد اشتغال نیز می‌انجامد.

## ۵. کارکرد وقف در تجاری‌سازی علم و فناوری

در طول تاریخ اسلام اغلب این‌گونه بوده که نیکوکاران بخشی از اموال و مستغلات خود را با اهداف خیرخواهانه، متناسب با نیاز زمانه، وقف می‌کرده‌اند. تأسیس بیمارستان‌ها، مدارس علمی، مراکز فرهنگی و مساجد بر اساس وقف بیانگر این ادعاست. با گذشت زمان و پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نیازهای جامعه نیز تغییر کرده و رفع آن‌ها با روش‌های سنتی گذشته دشوار یا غیرممکن است و در شأن و متناسب با جامعه امروزی نیست و نه‌تنها گاهی کارایی لازم را ندارد، بلکه حس خیرخواهی واقف را نیز کاملاً ارضا نمی‌کند (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳، ص ۷۸-۹۳).

یکی از جلوه‌های برقراری تناسب میان اهداف وقف و پیشرفت‌های علمی روز این است که بتوان استفاده از وقف را در مسیر تجاری‌سازی دانش و فناوری قرار داد، یعنی علاوه بر شیوه‌های سنتی وقف، همچون وقف املاک برای کلاس درس، مدرسه و دانشگاه یا برای پرداخت شهریه طلاب و دانشجویان و مخارج تحصیل آن‌ها از منافع املاک و وقف، گامی نو با هدف ارتقای دانش بشر و جامعه تعریف و ترویج شود تا چرخه تولید دانش و فناوری با کمک وقف تکمیل شود و به ظهور و بروز کامل برسد (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳، ص ۶۵). تجاری‌سازی به معنای تبدیل نتایج پژوهش به فرآورده‌ها، خدمات و فرایندهایی است که موضوع معاملات تجاری قرار خواهند گرفت و بر کاربردی کردن نتایج پژوهش و ارزش‌آفرینی اقتصادی آن‌ها تأکید دارد. به عبارت ساده، تجاری‌سازی فرایند تبدیل فناوری‌های جدید به محصولات موفق تجاری است (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳). درواقع، تجاری‌سازی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که می‌تواند به این اهداف منجر شود: کسب و تملک ایده‌های تجاری‌سازی فناوری، به مرحله رشد رساندن آن‌ها با دانش مکمل، توسعه فناوری تحقق‌یافته تحقیقاتی، ساخت نمونه اولیه با استفاده از فناوری‌های جدید، توسعه فرایند ساخت و تولید کالاهای قابل‌فروش جدید، عرضه محصول به بازار، و فراهم‌کردن موقعیت فروش و زیرساخت‌های جدید (یداللهی فارسی و کلاتهایی، ۱۳۹۱، ص ۲۷). عرضه محصولات فناورانه و دانش‌بنیان و تجاری‌سازی آن مهم‌ترین عامل موفقیت در دنیای کسب‌وکار است. تجاری‌سازی فناوری، حلقه

مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری افزایش یابد (برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶، بند ث). در برنامه ششم توسعه، به صورت خیلی محدود، به استفاده از وقف و امور خیریه در تأمین منابع مالی در برخی بخش‌ها اشاراتی شده است، اما به استفاده از این ظرفیت قابل‌اعتنا به صورت نظام‌مند توجهی نشده است. وقف در علم و فناوری، بیشتر از آنکه نیاز به قوانین بالادستی داشته باشد، به فرهنگ‌سازی نیازمند است. حاکمیت نمی‌تواند نیت واقفان را به صورت دستوری تعیین کند و یا موقوفات کنونی را در مسیر خاصی سازمان‌دهی کند، اما می‌تواند با فرهنگ‌سازی و آگاهی‌دادن واقفان را به وقف در فضای علم و فناوری تشویق و ترغیب کند.

### نتیجه‌گیری

منابع خیرین و واقفان همیشه در خدمت ضروری‌ترین نیازهای مردم بوده است. این قاعده‌ای کلی در همه زمان‌ها و مکان‌هاست. خیرین نیازهای جامعه را از صداها و درخواست‌هایی که می‌شنوند و مشاهدات عینی خود تشخیص می‌دهند. نیازهای ضروری در هر دوره‌ای و در هر منطقه‌ای، بسته به شرایط، متفاوت است (آذری، ۱۳۹۶، ص ۱۳). طی چند دهه گذشته، برخلاف روند پرسرعت تحولات اجتماعی و فرهنگی و فناوریانه، میزان تحولات در دایره مفهومی وقف، چه در تعریف عین و چه در تعریف تسبیل منافع، دچار رخوت و سنت‌گرایی شدید شده است. این سنت‌گرایی حتی در نوع نگاه به «نوگرایی» در سنت وقف نیز مشاهده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی رویه‌های جاری حتی در وقف برای اهداف علمی، باقی‌ماندن در کلیشه وقف بناها یا امکانات زیرساختی است. موضوعات وقف نیز از چند موضوع محدود، عمدتاً مرتبط با ساخت بناهای عمرانی و ایجاد امکانات زیرساختی و در برخی موارد حمایت مالی از تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان، خارج نمی‌شود. ساخت دانشگاه، تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و همچنین استفاده از موقوفات برای درآمدزایی با استفاده از روش‌های فناوریانه، روش‌های اصلی موردتوجه در رویکرد جدید وقف برای علم و فناوری است (اکبری نوری و سلطانی، ۱۳۹۶، ص ۱۷). بررسی فهرست نیت واقفان، که در سال ۱۳۹۱ به اهتمام دفتر اسناد اوقافی سازمان اوقاف و امور خیریه از تمامی اسناد وقفی موجود در کشور استخراج شده، مؤید همین مطلب است. گفتنی است این نیت‌ها، که از تمام اوراق وقف‌نامه‌ها و اسناد وقفی موجود در دفتر اسناد اوقاف با دقت فراوان استخراج شده، ۷۷۶ نیت واقفان را بیان می‌نماید که در ۱۰ عنوان و ۴۷ موضوع دسته‌بندی شده است:

۱. حفظ و نگاه‌داری با ۴ موضوع و ۱۰ نیت (۱/۲۹ درصد)؛

۲. حقوق اوقافی با ۴ موضوع و ۷ نیت (۰/۹۰ درصد)؛

وقف در شرع و قانون منعقد شود. در واقع، عقد وقفی که به منظور تجاری‌سازی دانش و فناوری منعقد شده باشد، در صورت عدم نقض مسائلی که رعایت آن در شرع و قانون الزامی است، هیچ منافاتی با هیچ‌یک از شرایط اساسی صحت وقف در فقه شیعه و حقوق ایران ندارد. برای این نوع وقف می‌توان، بر اساس تعیین دانشی که تجاری‌سازی آن موردنظر واقف است و بر اساس موقوفه‌علیه وقف، صورت‌های عام و خاصی را در نظر گرفت (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳، ص ۸۰). از آثار وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری می‌توان به این موارد اشاره کرد: گامی با هدف تحقق عدالت اجتماعی؛ کمک به توسعه و رشد اقتصادی کشور؛ کمک به پیشرفت‌های علمی؛ رضایتمندی محققان؛ ایجاد انگیزه نوآوری در دانشگاه‌ها؛ ایجاد و افزایش اشتغال (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳، ص ۷۴-۷۶).

سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در وقف علم و فناوری و حمایت از نوآوری و همچنین تجاری‌سازی ایفا کنند. این سازمان‌ها با استفاده از مفهوم «شریک نوآوری»<sup>۱</sup> و تجارب مختلف فرهنگی و تخصصی خود می‌توانند بازارهای نوظهور را به صاحبان ایده و نوآوری معرفی نمایند. یا به شیوه‌ای دیگر، سازمان‌های مردم‌نهاد با وقف دارایی‌ها خود به صاحبان ایده و نوآوری کمک می‌کنند تا به بازارهای درحال توسعه وارد شوند، کارایی بالاتری داشته باشند و تأثیر اجتماعی خود را افزایش دهند (The Guardian, 2014).

### ۶. وقف علم و فناوری در اسناد بالادستی

در نقشه جامع علم و فناوری کشور، بخش راهبردهای کلان علم و فناوری، سرفصل اقدامات ملی، در بندهای زیر صراحتاً به موضوع وقف علمی و بهره‌برداری از این پتانسیل در جهت توسعه علم و فناوری اشاره شده است:

بند ۴: افزایش سهم وقف و خیریه در توسعه و پشتیبانی از مؤسسات و نهادهای علم و فناوری (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

بند ۷: حمایت از مشارکت مردم و نهادهای عمومی و غیردولتی و همچنین گسترش فرهنگ وقف در حوزه آموزش عالی با حفظ کارکردهای سیاست‌گذاری و نظارتی دولت (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

همچنین در برنامه ششم توسعه، در بخش آموزش عمومی، آموزش عالی و علم و فناوری، ذیل ماده ۶۵ (بند ث) آمده است: دولت موظف است، با تشویق خیرین و واقفان و رفع موانع موجود، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا سهم وقف و خیریه از تأمین



علم و فناوری را به چند صورت ضروری می‌نمایاند: نخست فرهنگ‌سازی در امور خیر و وقف در حوزه‌های علم و فناوری که فارغ از مسائل مذهبی، به بهبود وضعیت اقتصادی و سرمایه‌ اجتماعی می‌انجامد. دوم وقف زمان از سوی کارآفرینان و نخبگان جامعه برای رشد و تعالی کسانی که به‌تازگی شروع به فعالیت در حوزه دانش‌بنیان و شرکت‌های نوپا کرده‌اند و در نهایت بخشش قسمتی از ثروت در قالب وقف یا امر خیر به‌منظور پیشبرد اهداف اقتصاد دانش‌بنیان در کشور.

### منابع

آذری، علیرضا (۱۳۹۶). «نقش وقف علم و فناوری در تقویت ساخت درونی کشور؛ رابطه وقف، درخت علم و شرکت‌های دانش‌بنیان». مجموعه مقالات اولین همایش وقف علم و فناوری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۳-۱۴. اکبری نوری، حنا، سلطانی، معصومه (اسفند ۱۳۹۶). «ظرفیت وقف در توسعه پایدار نظام آموزشی: مدارس وقفی». مجموعه مقالات اولین همایش وقف علم و فناوری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۷-۱۸. برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶.

تقنی، فاطمه، افتخاری، حسین (۱۳۹۶). «تبیین مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل موفقیت تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی (مورد مطالعه: پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات)». نشریه علمی - پژوهشی مدیریت فردا، ۱۶، ۱-۲۲.

درخشان، مرتضی، نصراللهی، خدیجه (۱۳۹۳). «تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران». فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۴ (۵۵)، ۶۱-۸۸.

دفتر همکاری‌های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده منطقه شمال شرق (۱۳۹۵). وقف علم و فناوری. مشهد مقدس.

جهانپان، ناصر (۱۳۹۵). «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم». مجله اقتصاد اسلامی، ۱۶ (۶۲)، ۷۹-۱۰۶.

جهانپان، ناصر (۱۳۹۰). «مبانی، اهداف و جایگاه وقف در مکتب اقتصادی اسلام». مجله اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۴۲)، ۸۷-۱۱۶.

حسینی مقدم، محمد (اسفند ۱۳۹۶). «روندهای جهانی، چشم‌اندازها، راهبردها و آموزه‌های ملی وقف علمی». مجموعه مقالات اولین همایش وقف علم و فناوری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۳-۱۴.

حیدری، محمدرضا، درخشان، مرتضی (اسفند ۱۳۹۵). «تحلیل کارکردهای بخش سوم (امور خیر و نیکوکاری) در توسعه اقتصادی و اشتغال». مجموعه مقالات اولین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران)، تهران، بنیاد خیریه راهبری آلاء، ص ۱-۱۵.

دفتر همکاری‌های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده منطقه شمال شرق با همکاری اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی. (۱۳۹۵). «وقف علم و فناوری». خراسان رضوی: دبیرخانه کمیته باورن وقف علم و فناوری.

سجادی، سیداحمد (۱۳۹۳). «آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران، فقه و اصول (۱)». وقف میراث جاویدان، ۲۲ (۸۵)، ۵۱-۸۶.

۳. نیت‌های مذهبی با ۸ موضوع و ۱۷۶ نیت (۲۲/۶۸ درصد)؛

۴. نیت‌های خیریه با ۱۰ موضوع و ۲۶۷ نیت (۳۴/۴۱ درصد)؛

۵. نیت‌های اجتماعی با ۶ موضوع و ۱۸۳ نیت (۲۳/۵۸ درصد)؛

۶. عتبات عالیات با ۵ موضوع و ۲۷ نیت (۳/۴۸ درصد)؛

۷. مطلقه و مجهول‌المصرف با ۲ موضوع و ۲ نیت (۰/۲۶ درصد)؛

۸. مدارس و حوزه‌های علمیه با ۲ موضوع و ۵۶ نیت (۷/۲۲ درصد)؛

۹. مساجد با ۳ موضوع و ۲۹ نیت (۳/۷۴ درصد)؛

۱۰. بقاع متبرکه و اماکن مذهبی با ۳ موضوع و ۱۹ نیت (۲/۴۵ درصد). با بررسی این عناوین پی می‌بریم که بیشترین نیت درباره موضوعات اجتماعی و مذهبی است و واقفان، علاوه بر آنکه در وقف دغدغه دین را داشته و خود را موظف به حمایت از دین می‌دانسته‌اند، امورات اجتماعی و رفاهی مردم را نیز مهم دانسته‌اند و موقوفات فراوانی را صریحاً به آن اختصاص داده‌اند، از جمله موارد اول، چهارم، پنجم و هشتم، که در مجموع ۵۰۶ نیت از مجموع ۷۷۶ نیت یا حدود ۶۷ درصد از کل نیت‌ها را دربر می‌گیرد (سجادی، ۱۳۹۳، ص ۷۵-۷۶).

از بعد اقتصادی نیز می‌توان نتیجه گرفت بخش سوم اقتصاد، که در ایران بیشتر با فعالیت‌های وقف و امور خیریه شناخته می‌شود، انسجام نظری و عملی موردنیاز برای توسعه اقتصاد را ندارد و غالباً فعالیت‌هایی اخلاقی و فراقضایی شناخته می‌شود. بنابراین در سیاست‌های توسعه اقتصادی و برنامه‌های بلندمدت هیچ‌گام مشخصی در توسعه این بخش مهم از اقتصاد برداشته نشده است. حال آنکه بخش سوم اقتصاد - با تعریفی که ارائه شد - یگانه بخشی است که می‌تواند شکست‌های بخش خصوصی و بازار (بخش نخست) و دولت (بخش دوم) را در برخی از فعالیت‌های اقتصادی جبران کند و در جهت حداکثرکردن رفاه اجتماعی گام بردارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در وضعیت کنونی جهان اقتصاد بخش سوم حداکثر ۱۰ درصد، اقتصاد دهم حدود ۲ درصد و اقتصاد وقف در خوش‌بینانه‌ترین حالت حدود یک درصد از تولید ملی ظرفیت دارند. اما می‌توان با طراحی سیاست پیشرفت اقتصادی نهاد وقف این ظرفیت را تا حدود ۲ درصد تولید ملی ارتقا داد (جهانپان، ۱۳۹۵، ص ۸۵). این هدف‌گذاری، با وقف در جهت علم و فناوری، سبب شود تا اقتصاد بخش سوم بر پیکره اقتصاد کشور تأثیر مثبت بگذارد.

اگرچه سنت وقف ریشه در تاریخ این سرزمین دارد، اکنون جامعه و مهم‌تر از آن، آینده جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و در شکل‌گیری آن نقش‌آفرینی می‌کند (صیامیان گرجی، ۱۳۹۶، ص ۴۷). نگرش آینده‌نگرانه پرداختن به ترویج وقف در حوزه

- Palgrave Dictionary of Economics, 2nd Edition.
- Andreoni, J. (2015). *Charity and Philanthropy*, Economics of International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd edition, 3, 358-363.
- Cheek, Dennis W. Kramarek, France Michal. Rooney, Patrick (2015). *Charity and Philanthropy: Overview*.
- International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2(3).
- Lyons, M. (2001). *Third sector: The contribution of nonprofit and cooperative enterprise in Australia*. Crows Nest (Australia): Allen & Unwin.
- McKeever, Brice (2015). *The Nonprofit Sector in Brief 2015: Public Charities, Giving, and Volunteering*. Center on Nonprofits and Philanthropy, Urban Institute.
- Salamon, Lester M. (2018). *Nonprofits: American's Third Largest workforce*. John Hopkins University, 46. The Johns Hopkins Center for Civil Society Studies | ccsc.jhu.edu.
- Salamon, Lester M. Sokolowski, S. Wojciech. Haddock, Megan A. Tice, Helen S. (2013). "The State of Global Civil Society and Volunteering: Latest findings from the implementation of the UN Nonprofit Handbook". *Working Paper*, 49.
- Salamon, L. (2010). *Putting the civil society sector on the economic map of the world*. *Annals of Public and Cooperative Economics* 81 (2), 167-210
- Salamon, Lester M. Sokolowski, S and Associates (2004). *Global Civil Society: Dimensions of the Nonprofit Sector*, Volume Two, Bloomfield, CT: Kumarian Press.
- The Guardian. (2014). *Beyond charity: three innovative types of business partnerships for nonprofits*, <http://yon.ir/tsZIJ>.
- سلامی، رضا، خطیبی عقدا، عبدالنبی (۱۳۹۴). «بررسی چالش‌های تجاری‌سازی فناوری (از دیدگاه شرکت‌کنندگان در هشتمین نمایشگاه اختراعات کشور)».
- شاطری، مفید، آرزومندان، راضیه (۱۳۹۱). «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر (مطالعه موردی: شهرستان‌های بیرجند، درمیان، سربیشه)». زن در فرهنگ و هنر، ۴ (۱)، ۵-۲۳.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). نقشه جامع علم و فناوری کشور.
- صفایی‌پور، مسعود، سیاحی، زهرا، زرگر شوشتری، محمدمین، داری‌پور، نادیا (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز؛ مطالعه موردی: منطقه یک». نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵ (۱۶)، ۸۹-۱۰۴.
- صیامیان‌گرچی، زهیر (اسفند ۱۳۹۶). «وقف: میراثی از گذشته، سرمایه‌ای برای آینده: چالش‌های سیاست‌گذاری پژوهشی در برقراری ربط وقف و علم و فناوری در کشور». مجموعه مقالات اولین همایش وقف علم و فناوری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۴۷-۴۸.
- کائینی، محمدرضا (۱۳۹۱). «پیشینه و کارکرد وقف در اسلام و تاریخ تمدن اسلامی»، نشریه فقه و اصول (وقف میراث جاویدان)، ۷۹-۸۰، ۶۷-۱۰۰.
- کمیته یاوران وقف علم و فناوری (۱۳۹۶). دبیرخانه وقف علم و فناوری خراسان رضوی.
- محمودپور، یختیار، رحیمیان، حمید، عباسی، عباس، دلاور، علی (۱۳۹۱). «بازشناسی چالش‌های فراروی تجاری‌سازی پژوهش‌های مدیریت آموزشی با ارائه نظریه زمینه‌ای». فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۳ (۳)، ۲۵۱.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا، مسلمی، حسن، عبدالهی، محسن (۱۳۹۰). «وقف به مثابه منبع تأمین مالی خرد اسلامی، ارائه الگوی تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی در کشور». فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۹۱-۹۰، ۵ (۵)، ۹۱-۱۳۰.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، مقیمی، مهین (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر وقف بر شکل‌گیری مدارس در ایران دوره اسلامی». فصلنامه علمی - پژوهشی نقش جهان، ۱ (۷)، ۴۹-۵۷.
- میرهاشمی، زهرا سادات، سرهنگیان، محمد (۱۳۹۳). «امکان استفاده از نهاد وقف در تجاری‌سازی دانش و فناوری و الگوی پیشنهادی آن». فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۲ (۸)، ۶۳-۸۲.
- نریمانی، میثم (۱۳۹۶). «بررسی مسائل و مشکلات تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان». سیاست‌نامه علم و فناوری، ۷ (۱)، ۱۳-۱۵.
- نصرالهی، خدیجه، عبدلی سبحانی، منصور (۱۳۹۳). «عوامل مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در تأمین مالی خدمات شهری از طریق بخش سوم، وقف (مطالعه موردی: شهر اصفهان)». مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۶ (۲۳)، ۷۵-۹۶.
- یداللهی فارسی، جهانگیر، زهرا، کلاتهای (۱۳۹۱). «جایگاه تجاری‌سازی در مدیریت نوآوری و معرفی مدل‌های تجاری‌سازی در حوزه صنایع پیشرفته». فصلنامه رشد فناوری، ۹ (۳۳)، ۲۶-۳۶.
- Andreoni, J. (2007). *Charitable Giving*, New